

می خواهند جلو سیل را با "بیل" بگیرند!

ارژنگ بامشاد

اسلامی علیه خاتمی، معنا و مفهوم خاصی دارد. بیش از هر چیز این تلاش، و اقدام برای جلوگیری از ادامه تنش ها و درگیری ها که از زمان نطق خامنه ای در ۹ مهرماه آغاز شد، از ترس انقلاب مردم صورت می گیرد. این واقعیت را روزنامه «جمهوری اسلامی»، ناشر افکار خامنه ای، بدرستی تاکید کرده است. آن ها دریافته اند که اوضاع دیگر بر وفق مراد نیست. خامنه ای نیز در سخنرانی اش هر دو جناح را از «غریبه ها» ترساند و حال روزنامه جمهوری اسلامی حتی اعضای غیر روحانی دو جناح را نیز غریبه می داند. از این رو تلاش برای ایجاد نوعی تفاهم میان روحانیت شیعه و تاکید بر نقش کلیدی آن، اقدامی است که با حمایت رهبر رژیم انجام گرفته است. زیرا از این طریق او و دستگاه قدرتش می تواند بر نقش و نفوذ خود بیافزاید. این سیاست که تاثیر آن را پس از سخنرانی ۹ مهرماه دیدیم، عملاً وزن و نقش خامنه ای را حتی در میان اصلاح طلبان رژیم تا حد زیادی بالا برده است. او با این کار، بدون آن که مالیات زیادی بپردازد، اصلاح طلبان رژیم را مدیون خود ساخت و به آن ها نشان داد که اگر دخالت او نبود، معلوم نبود چه بر سر خاتمی و دولتش می آمد. از سوی دیگر تمامیت خواهان تندرو نیز که اقدام کودتائی شان با شکست مواجه شد، دریافته اند که برای پیروزی اقداماتشان

بقیه در صفحه ۲

روز پنجشنبه ۱۵ مهرماه، بدعوت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نشست با شرکت اعضای این مجمع، اتمه جمعه سراسر کشور و عده ای از جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تشکیل شد که محمدرضا مهدی کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز و مهدی کروبی دبیرکل مجمع روحانیون مبارز جزء اعضای هیئت رئیسه این نشست بودند. هدف این نشست از سوی علی مشکینی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم «ایجاد ارتباط بیشتر و مستمر روحانیت شیعه و حوزه های علمیه در مقاطع حساس» اعلام گردید. روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله خود در روز شنبه ۱۷ مهرماه، پیرامون این حادثه نوشت: «قطعاً همه کسانی که با مسائل جامعه سروکار دارند، این واقعیت را دریافته اند که رویارویی جناح ها و فعالان سیاسی به نقطه خطرناکی رسیده است. منازعات به مرحله ای رسیده که جامعه را به یک انفجار نزدیک کرده است. همه باید این واقعیت تلخ را درک کنند که سیل به راه افتاده است، امروز شاید جلوی این سیل را بتوان با "بیل" گرفت، ولی فردا حتی با "بیل" هم نمی توان آن را مهار کرد». این روزنامه سپس با اشاره به دعوای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز می نویسد: «توده مردم، کاری به این ندارند که اسلام دارای چند قرأت است و دین تساهل و تسامح است یا خشونت؟ مردم فهمیده اند که دعوا بر سر این مفاهیم نیست، بلکه بر سر قدرت است. در چنین وضعیتی، عقل اقتضا می کند که هواهای نفسانی کنار گذاشته شود و همه دست به دست همدیگر بدهند و کشور را اداره کنند تا راه برای دشمن مشترک باز نشود. این مطلبی است که بارها مورد تاکید قرار گرفته، ولی اکنون وقت عمل است».

سازماندهی نشست سران دو تشکل اصلی دستگاه روحانیت و تلاش برای ایجاد همدلی میان آن ها، پس از شکست موج براندازی جامعه روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه ی

ابعاد فاجعه بار خودکشی زنان در جمهوری اسلامی

آزاده ارفع

بردگی خانگی و اجتماعی، بی آندگی، احساس حقارت، ترس از مجازات برای داشتن کوچکترین حقوق انسانی، افسردگی و ده ها عارضه روحی، جسمی، اجتماعی و فرهنگی... میراث شوم بیست سال حاکمیت جمهوری اسلامی برای زنان ایران است. بر بستر این بی حقوقی و تحقیرشدگی است که خودکشی بعنوان یک راه "نجات"!! برای زنان ایران و بویژه دختران جوان که حاضر به تحمل شرایط برده وار زندگی شان نیستند، مطرح و عملی می شود.

خودکشی در میان زنان ایران به قدری افزایش یافته است که حتی زنان طرفدار ولایت فقیه نیز زنان به اعتراض گشوده اند. چندی پیش زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهور سخن از افسردگی زنان قم به میان آورد. اما در مقابله با سخنان افشاگر او بخشی از فرهنگیان و زنان قم عکس العمل نشان داده و تلاش کردند تا با ادعاهای پوچ عمق فاجعه را بپوشانند. آن ها اعلام کردند افسردگی زنان قم فقط افترا، توهین و یک دروغ است. اما از آن جایی که فاجعه به قدری بزرگ است که نمیتوان آن را به سادگی کتمان کرد، فاطمه تندگویان مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور زنان در روز ۱۳ مهر مجدداً دست به افشاکاری زده و اعتراف نمود که: «به دلیل سیاست های تبعیض آمیز در مورد دختران و پسران در ایران، آمار افسردگی، احساس بی هنری و رخوت در میان دختران ایران افزایش یافته و اکثر جوانانی که دست به خودکشی می زنند دختران هستند». او ادامه می دهد که: «اگر ۷۳ درصد دختران ایران وقت خود را در خواب و سستی می گذرانند این خود یک زنگ خطر است. اهانت، خشونت، احساس سردرگمی در زندگی و حس اضافی و سربار دیگران بودن، عمده ترین دلیل تمایل به خودکشی در میان دختران معصوم ایرانی است». و سپس می افزاید: «بیل به خودکشی در تهران روزانه ۲۰ نفر است که این امر در مورد هشت نفر به وقوع می پیوندد و بیشترین آن ها را دختران تشکیل می دهند».

محدود کردن دختران و زنان و زیر فشار قرار دادن آنان تحت ارتجاعی ترین قوانین حاکم در رژیم جمهوری اسلامی و منافع بر آن، حاکمیت سنت های عقب افتاده ی اجتماعی علیه زنان، تأثیرات خود را بر جای بقیه در صفحه ۲

کارگران و زحمت کشان

در صفحه ۴

اطلاعیه

کانون نویسندگان ایران
(در تبعید)
در صفحه ۲

تصحیح و پوشش

در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱ ابعاد فاجعه بار خودکشی زنان ...

نهاده و خودکشی را در میان زنان بطور جهش وار افزایش داده است. طبق آمار رسمی، در استان ایلام فقط در سال ۱۳۷۶، ۳۳۸ مورد خودکشی رخ داده که نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایشی به میزان ۳۷ درصد را نشان می دهد. افرادی که دست به خودکشی زده اند بین ۱۵ تا ۳۰ ساله بوده و ۸۱ درصد از ۳۳۸ مورد را زنان تشکیل می دهند. درصد خودکشی در میان زنان پنج برابر نرخ خودکشی در میان مردان است! علل اصلی خودکشی ۲۵ درصد به دلیل اختلافات خانوادگی و ۲۴ درصد به دلیل بیماری های روانی ذکر شده است. اکثر قربانیان دختران و زنان جوان خانواده های کم درآمد هستند.

تردیدی نیست که خودکشی اوج فاجعه ای است که بر زنان ایران می گذرد. بیست سال حاکمیت آپارتاید جنسی که از سوی جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل شده است و در کنار آن بیدار کردن، پرورش دادن و حمایت آشکار حکومت اسلامی از عقب مانده ترین سنت های اجتماعی ضد زن، اکنون ثمرات خود را بر جامعه زنان کشور آشکارتر می سازد. وقتی دختران جوان و زنان حتی در مدارس دخترانه که هیچ مردی را راه بدان جا نیست، مجبور می کنند حجاب خود را رعایت کنند و آزادی پوشش را از آن ها سلب می کنند؛ وقتی زنان را از درس و تحصیل در رشته های مورد علاقه خود محروم می سازند؛ وقتی دختران جوان حق ندارند در بسیاری از رشته های ورزشی فعالیت کنند؛ وقتی هیچ گونه امکانات فرهنگی برای زنان وجود ندارد و ازدواج را تنها راه نجات شان می دانند؛ وقتی آن ها در انتخاب همسر و یار آینده خود مختار نیستند و باید به ازدواج های اجباری و ناخواسته با کسانی- که حتی هرگز آن ها را ندیده و آشنایی با آن ها ندارند- تن در دهند؛ وقتی در مواقع بروز اختلافات خانوادگی، طبق قوانین شرع انور و قوانین حقوقی در جمهوری اسلامی تمامی حق از آن مرد است، وقتی زنان حتی از حق مسافرت به اراده ی خود محرومند؛ وقتی زنان کارگر در گرمای ۴۰ درجه تابستان مجبورند خود را گونی پیچ کنند تا اسلام به خطر نیفتد و زیر نگاه مسموم ناکرین از "منکر" و در شرایط غیرانسانی کار کنند؛ آری وقتی که چنین شرایطی بر جامعه حاکم است و بی آینده گی بیداد می کند، افسردگی، ناامیدی، احساس پوچی کردن، امر غیرقابل فهمی نیست. اما مسئولیت این جنایت عظیمی که بر زنان روا می شود تماماً بر دوش حاکمان اسلامی است. آن ها مسئول این جنایت در حق زنان هستند. جنایتی که حالا از زبان مشاورین زن حکومتی نیز بازگو می شود.

چنین وضعیتی نمی تواند مورد بی توجهی فعالین زنان قرار گیرد. باید بویژه بر روی وضعیت اسف بار دختران خانواده های کارگر و زحمتکش که بزرگترین قربانیان آپارتاید جنسی حاکم بر جمهوری اسلامی هستند، تمرکز لازم را بعمل آورد. باید با ایجاد گروه های همیاری زنان در محلات کارگری و زحمتکش نشین و کار منظم در میان دختران و بویژه دختران و زنان طبقات و اقشار محروم جامعه، آن ها را با حقوق خود آشنا ساخته و بدین ترتیب شرایط مبارزه فعال دختران و زنان ایران علیه آپارتاید جنسی و لغو هر نوع نابرابری را فراهم آورد. باید با کار مداوم به زنان و دختران جوان ثابت کرد که راه مقابله با چنین جنایاتی که در حق شان روا می شود، گسستن رشته زندگی خود نیست باید رشته زندگی حکومت اسلامی و تمامی سنت های منسوخ را از هم گسست. تنها از این طریق می توان یک بدیل واقعی در برابر خودکشی و موج گسترش یابنده آن- که راه حل فردی و منفعل در برخورد با مشکلات است- بوجود آورد.

دنباله از صفحه ۱ می خواهند جلو سیل را...

باید رضایت رهبر جلب شده باشد. این اقدام خامنه ای بیش از آن که نشانه ی گرایش او به پلاتفرم خاتمی باشد، از ترس عواقب سیاست براندازی ضربتی ی گرایش تندرو جناح تمامیت خواه بود. خامنه ای بخوبی دریافته بود که براندازی ضربتی در شرایط انفجاری جامعه، می توانست بسیار پر هزینه تمام شود، از این رو جلو موج براندازی را گرفت.

اما تلاش جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای آشتی دادن جناح های روحانیت و حتی تغییر اساسنامه خود و اعلام این که از این پس فراجناحی عمل خواهد کرد، تنها هدف تقویت موقعیت خامنه ای را دنبال نمی کند. این اقدام، هدف های دیگری را نیز مدنظر دارد.

تلاش برای کاستن از رنجیدگی مجمع روحانیون مبارز که در یک سال اخیر، چه در جریان انتخابات مجلس خبرگان، چه در بستن روزنامه «سلام»، چه در برهم زدن توافقات انجام شده در مجلس، پیرامون اصلاح قانون انتخابات و اصلاح قانون مطبوعات، فشار سنگینی را تحمل کرده بود، از دیگر هدف های این اقدام است. این امر می تواند از خصلت درگیری و مبارزه جوئی این تشکل که در جریان "موج براندازی" قاطعانه ایستاد، تا حد زیادی بکاهد و آن را به مواضع خامنه ای نزدیک کند.

هدف مهم دیگر، جلوگیری از بروز انشعاب سنگین در جامعه روحانیت مبارز است. انشعابی که اعلام تبری علنی پنج عضو معتدل شورای مرکزی آن از بیانیه کودتائی جامعه روحانیت مبارز علیه خاتمی، وارد مرحله ی اجرائی شده بود. روشن است که اگر چنین انشعابی تحقق یابد، ضربه ی بزرگی به جناح تمامیت خواه محسوب می شود و وزن و نقش آن را بشدت کاهش خواهد داد. امری که مطلوب نظر رهبر رژیم نیست.

تلاش برای متحد کردن هر چه بیشتر روحانیون حکومتی و کاستن از اختلافات آنان، با این هدف نیز صورت می گیرد که وزن خامنه ای را در مقابل مراجع دیگر تقویت نماید. این امر بویژه در صورتی که دو سازمان قدرتمند روحانیت، مخاصمات خود را کاهش دهند و حول خط رهبری رژیم گرد آیند، زمینه را برای رشد و تقویت مراجع رقیب بشدت کاهش می دهد. حادثه مطرح شدن منتظری در همین چندماه پیش که مجلس خبرگان آن را خطری جدی قلمداد کرد و حتی کروی و محتشمی نیز به مقابله با آن پرداختند، حادثه ای نیست که بتوان از کنار آن براجتی گذشت. اما تنها منتظری نیست

که می تواند مشکل آفرین باشد. بازی تندروان جناح تمامیت خواه با برگ مراجع تقلید، زنگ خطری نیز برای دستگاه رهبری محسوب می شود. از همین زاویه است که رئیس قوه قضائیه پس از سخنان خامنه ای در ۹ مهرماه رسماً اعلام کرد: «در حکومت اسلامی فقط حکم "فقیه حاکم" نافذ است» و این بدان معناست که فتوای این یا آن مرجع تقلید نمی تواند حکم تلقی گردد.

در صورتی که بتوان روحانیت شیعه و گرایشات درونی آن را متحد کرد و حول خط رهبر گرد آورد، زمینه برای کاهش نقش غیرروحانیون دو جناح نیز افزایش می یابد و این نیز هدف بعدی از تلاش جامعه مدرسین و دستگاه رهبری است. روزنامه جمهوری اسلامی این هدف را بسیار آشکار و روشن بیان کرده است آن جا که می نویسد: «امروز روحانیت شیعه توسط عده ای قدرت طلب که در خارج از نهاد روحانیت قرار دارند، به وسیله ای برای تسویه حساب های سیاسی تبدیل شده است. چه بسا بسیاری از عناصر روحانی چه از «روحانیون» و چه از «روحانیت» با نیت خالص و با هدف دلسوزی برای اسلام و انقلاب و کشور، مطلبی را مطرح می کنند و موضعی می گیرند، ولی پشت سر هر دو طرف، کسانی وجود دارند که چون منافع خود را در حذف رقیب جستجو می کنند، بهره برداری از قدرت "نهاد روحانیت" را برای رسیدن به این مقصود، راهی مناسب یافته اند. این از واقعیت های تلخ روزگار ماست که باید سران روحانیت شیعه آن را با دیده عبرت بنگرند و به عمق آن توجه کنند و از کنار آن، بی تفاوت نگذرند». این تلاش برای کاهش نقش غیر روحانیونی که فرصت طلب خوانده شده اند، طبعاً هم «جمعیت مؤتلفه اسلامی» را در بر خواهد گرفت که در دوره اخیر هدایت کننده اصلی تندروان جناح تمامیت خواه و گاه کل آن بوده است و هم بسیاری از جریانات طرفدار خاتمی در "جبهه دوم خرداد" را. از همین روست که روزنامه «صبح امروز» به مدیریت سعیدحجاریان، در واکنش به تلاش های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت مهدی کروی در آن، برای انجام مذاکرات میان طرفداران خاتمی و طرفداران خامنه ای، شرایطی قائل شده و به محدود شدن گفت و گوها تنها میان

بقیه در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۲ می خواهند جلو سیل را....

روحانیون بصورتی غیر مستقیم اعتراض کرده است و در سرمقاله ۱۸ مهرماه خود نوشته است: «همه نیروهایی که فعالیت در چهارچوب قانون اساسی را پذیرفته‌اند و پای بندی خود را به قانون اساسی در عمل نشان داده‌اند، بایستی در این گفت‌وگوها مشارکت داده شوند. مشکلات یک ملت را با حضور همه ملت بایستی بررسی کرد و حل نمود.»

و این مجموعه تلاش‌ها بویژه با این هدف نیز دنبال می‌شود که جلو شکست مفتضحانه در انتخابات مجلس ششم گرفته شود. جناح تمامیت خواه بویژه پس از رسوایی‌های یک سال اخیر، بخوبی دریافته است که اگر اجازه دهد انتخابات به روال قانونی خود جریان یابد شکستی مفتضحانه‌تر از انتخابات شوراها در انتظارش خواهد بود. بنابراین یا باید بر پایه قانون جدیداً اصلاح شده انتخابات و با تکیه‌ی کامل بر شمشیر نظارت استصوابی تمامی کاندیداهای جناح رقیب را از دم تیغ نظارت بگذرانند و مانع حضور آن‌ها در رقابت‌های انتخاباتی شود و یا باید راهی برای سازش و کاهش ابعاد شکست بیابد. طرح سازش میان جناح‌های روحانی و تلاش برای توافق بر سر نتایج، و نه راه‌ها و مکانیزم‌های قانونی، با این هدف نیز صورت می‌گیرد تا بر سر انتخابات مجلس ششم توافقاتی صورت گیرد و از قطب بندی کامل و جبهه بندی انتخابات حتی المقدور جلوگیری شود، بویژه که «جبهه دوم خرداد» با صراحت اعلام کرده بود که خواهان انتخاباتی شفاف و جناحی است و حتی از هاشمی رفسنجانی نیز خواسته بود تکلیف خود را روشن کند یا در لیست «جبهه دوم خرداد» یا در لیست «جامعه روحانیت مبارز». و این بر هراس تمامیت خواهان افزوده است.

سخنان خامنه‌ای در ۹ مهرماه و تلاش‌های دستگاه رهبری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، برای ایجاد سازش میان جناح‌های روحانی رقیب با هدف‌های فوق، بیش از همه باعث تقویت مواضع خامنه‌ای خواهد شد. این مجموعه تلاش‌ها، بویژه در شرایط انزای کامل و رسوای جناح تمامیت خواه و بویژه گرایش تندرو آن که رهبری کلیت آن‌را مدت‌ها در اختیار داشت، به ضرر اصلاح طلبان رژیم تمام خواهد شد. زیرا آن‌ها باید در این روند به نقش ولی فقیه تمکین کنند و از بسیاری از خواست‌ها و برنامه‌های خود عقب نشینی نمایند. تجربه تاکنونی گفت‌وگوها و توافقات دو جناح همواره این واقعیت را نمایانده است. با این حال خاتمی و طیف طرفدارانش، قصد ندارند راهی جز این بیابند. هراس آن‌ها از جنبش مردمی آن چنان بالاست که حاضر نیستند برای

پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود به یک درگیری تمام عیار با تمامیت طلبان روی آورند. از این رو حتی وقتی که گلوی‌شان در چنگال قدرتمند رقیب قرار دارد، نیز بجای برآوردن فریاد، تن به سازش می‌دهند و هر شرطی برای گفت‌وگو و ایجاد فضای آرامش را می‌پذیرند. این نکته‌ای است که تمامیت خواهان، در تمام دو سال گذشته از آن بخوبی بهره برداری کرده‌اند.

آری در شرایطی که «سیل به راه افتاده است» و دشمنان مردم به چاره‌جویی نشسته‌اند، جنبش توده‌ای نیز باید برای مستحکم کردن سنگرهای خود، برای بسیج بیشترین نیرو و گسترش پایه‌ی خود، برای خنثی و بیطرف کردن تمامی کسانی که در دفاع از حکومت روحانیون نفعی ندارند، و برای ایجاد صف متحدی از دانش‌آموزان، دانش‌جویان، زنان، خلق‌های تحت ستم، کارگران و زحمت کشان، تمامی تلاش خود را بکار گیرد. و در این میان تمامی آن‌هایی که قلب‌شان برای توده‌های کار و زحمت می‌تپد و برای آینده‌ای انسانی مبارزه می‌کنند، باید زمان را دریابند و اجازه ندهند که دشمن بتواند با «بیل» جلو «سیلی» که به راه افتاده است» را بگیرد.

تصحیح و پوشش

ساتشکر از یادآوری «کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران-لندن» لازم به تذکر است که حرکت ۲۷ سپتامبر اساساً بوسیله «کمیته دفاع از جان دانشجویان و دستگیرشده‌گان» سازماندهی شده بود و این که در گزارش ارسالی نوشته شده بود که «کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران- لندن» متشکل از نیروها و گروه‌هاست نادرست بوده است.

رفقای هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در تک‌برگی راه کارگر شماره ۴۱، در صفحه ۳ خبری راجع به اعتراضات نیروهای سیاسی در رابطه با دستگیری و صدور حکم اعدام برای دانشجویان ایرانی، درج گردیده بود. در ستون اخبار اعتراضی مربوط به (لندن-انگلستان) به تظاهراتی اشاره شده که توسط «کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران» سازماندهی شده و در ادامه خاطر نشان می‌کند که این کمیته از هشت تشکل و نهاد دموکراتیک تشکیل شده است. بدین وسیله اعلام می‌داریم که «کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران» در شهر لندن-انگلستان زیرمجموعه هیچ تشکل سیاسی و یا نهاد دموکراتیک نبوده، بلکه کمیته‌ایست مستقل از جریان‌های سیاسی. بدیهی است کم نیستند رفقای در این کمیته که تعلقات تشکیلاتی داشته و دارند.

با تشکر از طرف

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران-لندن
مجدد- ۱۸ اکتبر ۹۹

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

هم‌بیهان عزیز!

سال گشت به خون تبیین جان باختگان اهل قلم و دگراندیشان در ایران فرا می‌رسد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) بر آن است تا به یاری شما در روز شنبه ششم نوامبر، با برگزاری مراسمی در اروپا، کانادا و آمریکا، یاد ازجمند فرورها، شریف، مختاری، پوننده و دیگر عزیزان را گرامی بدارد.

گذشتن این سال، هم‌راه با برنامه‌ریزی گسترده‌ای بوده که نظام جمهوری اسلامی برای سرکوب هرچه بیشتر آزادی و سازماندهی اختناق فرهنگی تدارک دیده است. در این راه، حکم اعدام دانشجویان معترض، که خواهان برچیده شدن نظام سانسور و برقراری آزادی هستند بس نبوده، بلکه تمامی امکانات قانونی و غیرقانونی در جهت نفی هر آن کوششی که در راه برقراری آزادی صورت بگیرد، به کار گرفته شده است: مدیران، سردبیران و نویسندگان روزنامه‌ها و مجلات به بهانه‌های واهی به دادگاه‌ها کشیده می‌شوند و از آن‌ها اخاذی می‌شود؛ روزنامه‌ی «نشاط» به خاطر چاپ مقاله‌ای در نفی حکم اعدام توقیف می‌شود؛ برای کشتن آقای حسین باقرزاده به «جرم» نوشتن همین مقاله جایزه‌ی ده میلیون تومانی تعیین می‌شود؛ گردانندگان نشریه‌ی دانشجویی «موج» مرتد و مهدورالدم خوانده می‌شوند؛ و در یک کلام، خشونت و سرکوب فرهنگی به مثابه یکی از بنیانی‌ترین پایه‌های نظام، با سرعتی دم‌افزون، گسترش می‌یابد.

در چنین شرایطی است که اهمیت بزرگداشت قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، به ویژه اهل قلم، که آزادی اندیشه و بیان و قلم را، به عنوان بن‌مایه‌ی آزادی‌های فردی و اجتماعی، بدون هیچ حصر و استثنایی برای تمامی مردم ایران خواستار بودند، هرچه بیشتر اهمیت می‌یابد. هم بدین خاطر، ما از همه‌ی هموطنان می‌خواهیم که در تداوم حمایت تاکنونی خویش از مدافعان آزادی اندیشه و بیان و قلم، صدا در صدای کانون نویسندگان ایران (در تبعید) افکنند تا بزرگداشت هرچه باشکوه‌تر مراسم سالگشت کُشتگان خانواده‌ی قلم و آزادی، به تعرضی در برابر آزادی‌سیزی و آزادی‌کشی بدل شود.

ما هم چنان برآنیم که تنها اعزام یک هیئت بین‌المللی به ایران و بررسی قانون‌مندان‌ی زوایای قتل‌های زنجیره‌ای و افشای دست‌های پنهان و آشکار آمرین و عاملین این قتل‌هاست که می‌تواند عاملی بازدارنده در سازماندهی و وقوع قتل‌های دیگری از این دست باشد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) به زودی در اطلاعیه‌ای دیگر، محل اجرای برگزاری مراسم سالگشت کُشتگان خانواده‌ی قلم و آزادی را در کشورهای مختلف به اطلاع هم‌وطنان خواهد رسانید.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

هفتم اکتبر ۱۹۹۹ - پاریس

کارگران و زحمت کشان

اعتراض کارگران اخراجی اورژانس تهران

بیش از ۵۰ نفر از کارگران اخراجی اورژانس شهرداری تهران با ارائه شکوائیه به اداره کار تهران، خواستار احقاق حقوق خود شدند. یکی از کارگران اخراجی به خبرنگاران روزنامه «کاروکارگر» گفته است: «کارگران اورژانس شهرداری تهران که اغلب دارای حدود پنج سال سابقه کار هستند به لحاظ این که قراردادی هستند، نه شرح وظیفه معینی دارند و نه وضعیت فردی آنان مشخص است و اصلاً با قانون کار و مزایای آن غریبه هستند.» وی افزود: «بیش از هشت ماه است که کارگران جهت رفع بلاتکلیفی اقدام به ارائه شکوائیه به اداره کار کرده اند که در این مدت مشخص نشده است کارفرمای حقیقی ما چه کسی است تا این که پس از این مدت یک نفر را معرفی کرده اند که هنوز هم همین فرد معرفی شده که مدعی است نماینده کارفرماست، عنوان می کند که اختیار تام ندارم و در جلسه هیأت حل اختلاف بسیاری از مزایای قانونی ما را منکر شده است، مثلاً درصدی را که امسال شورای عالی کار برای افزایش دستمزد کارگران اعلام کرده، نه تنها اجرا نکرده اند بلکه از آن چه که پیش از این پرداخت می کردند، کم کرده اند. یا مزایای اضافه کار اجباری انجام شده ی اغلب کارگران را پرداخت نمی کنند.» یک کارگر اخراجی دیگر، به خبرنگار همان روزنامه گفته است که، کارفرمایان با سوءاستفاده از نرخ بالای بیکاری، کارگران را به صورت قراردادی و کارهای خارج از شرح وظیفه یا توان جسمی آنان، به کار وامی دارند و بعد مزد و مزایای قانونی شان را نیز نمی پردازند. وی افزود: «بعضی کارفرمایان دولتی، بحث کمیود بودجه را طرح می کنند و حقوق کارگران را تضييع می کنند، در صورتی که اگر از ریخت و پاش ها و خرج های بیهوده جلوگیری شود قطعاً کسری بودجه را می توان از این طریق جبران کنند یا سیستم اداری که برای مجموعه ی مدیریت در نظر می گیرند متأسفانه مرکزی که مثل اورژانس شهرداری تهران با یک مدیر توان مند می تواند بدون مشکل مدیریتی کار کند، چهار واسطه با حقوق های گزاف به کار می گیرند تا برسد به مدیریت اصلی، هر کدام فقط یک اسم و عنوان را یدک می کشند بدون این که کارایی داشته باشند چگونه با این سیستم مدیریت، توقع دارند کار به نحو احسن پیش برود و کارگر بیش از حد توان و با حقوق اندک کار کند.»

تجمع اعتراضی کتابداران در تهران

۳۱ شهریور (۲۲ سپتامبر)، جمعی از کتابداران کتابخانه های عمومی تهران در اعتراض به اخراج خود، در مقابل شورای شهر تهران اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. گفتنی است که، شهرداری تهران بیش از پنجاه نفر از کارکنان کتابخانه های عمومی شهر را به خاطر صرفه جویی و کمیود اعتبار اخراج کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران چیت سازی

بهشهر

دوشنبه ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر)، حدود صدنفر از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر که دو سال است در بلاتکلیفی و در مرخصی اجباری به سر می برند، در مقابل اداره کار و فرمانداری این شهرستان اجتماع کرده و خواسته های خود را بیان نمودند.

اعتراض کارگران ابهر

جمعی از کارگران شهرستان ابهر، ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر)، با انتشار نامه ای، نسبت به بی حقوقی مطلق کارگران و نبود امنیت شغلی اعتراض کردند. کارگران در نامه ی خود نوشته اند: «در شرکت های تولیدی منطقه ابهر، دیگر هیچ گونه تضمین کاری وجود ندارد و کارفرمایان محترم! از نیروی انسانی که به فراوانی در اختیارشان است به نحو دل خواه بهره کشی کرده و با قراردادهای سه ماهه و شش ماهه و حتی یک ساله از آنان کار می کشند و به محض اتمام زمان قرارداد، نیروی کار را عوض کرده و نیروی جدید جایگزین می کنند و در این اوضاع و احوال، نه کسی حق اعتراض دارد و نه اجازه حق طلبی! در اجرای طرح طبقه بندی شرکت ها نیز تا دل تان بخواهد، حق و حقوق مسلم کارگران را به حدی ضایع نموده اند که حد و حصری ندارد.» کارگران در ادامه ی نامه خود افزوده اند: «در اداره کار شهرستان ابهر، هیچ گونه عدالت و مساواتی حاکم نمی باشد و فقط کار برای اقوام و آشنایان کارمندان محترم اداره کار فراوان است و بس! و افراد عادی هر روز با تجمع در مقابل اداره کار، هم چنان در انتظار یافتن کارند.»

پرداخت بن، با سه سال تاخیر

کارگران شهرداری آبادان می گویند در حالی که هر ماه مبلغی معادل ۷۰۰ تومان از حقوق شان کسر می شود، تا در مقابل آن هر شش ماه، مقداری کالا تحت عنوان بن کارگری به آنان داده شود؛ بن های مربوط به سال ۷۵ را در سال ۷۸ دریافت کرده اند. کارگران می گویند با پولی که سه سال پیش بابت اجناس بن، از حقوق شان کسر شده، می توانستند در آن زمان دو برابر این اجناس را خریداری کنند. شایان ذکر است که در نیمه ی اول سال های ۶۰، رژیم اسلامی برای مقابله با مبارزات کارگران برای افزایش دستمزد، مبلغی را تحت عنوان بن کارگری، به دستمزد کارگران افزود تا معادل آن، اجناس مورد نیاز کارگران را به قیمت دولتی در اختیارشان قرار دهد. اما هرچه از اجرای این سیاست ارتجاعی یعنی پرداخت جنسی دستمزد گذشته، اجناس داده شده به کارگران، بنجل تر و فواصل پرداخت آن ها طولانی تر شده است.

اعتراض انجمن صنفی دریانوردان

انجمن صنفی دریانوردان با انتشار نامه ای به تاریخ ۲۷ شهریور (۱۸ سپتامبر)، نسبت به شرایط برده وار کار در شرکت های کشتی رانی و اجرا نشدن کم ترین مقررات قانونی از طرف کارفرمایان این شرکت ها، اعتراض کرد. در نامه ی انجمن صنفی دریانوردان آمده است که، پس از گذشت سال ها، شاغلان حرفه و صنعت کشتی رانی توانستند اخیراً انجمن صنفی خود را ایجاد کرده و به ثبت برسانند. در نامه ی انجمن، با اشاره به فزونی عرضه نیروی کار نسبت به تقاضا و پایین بودن سطح دستمزد ها، گفته شده است که، بی حقوقی و اجحاف نسبت به شاغلان این حرفه چنان دامنه یافته، که در برخی از بنادر، سازمان ها و شرکت های کشتی رانی با ملوانان به صورت برده رفتار می کنند. و نه تنها حقوقی به آن ها داده نمی شود «بلکه آن ها را هم راه خود به بنادر حاشیه خلیج، مانند کویت می برند و در آن جا از آنان نیز مانند حملان و بارگشان بر روی اسکله ها کار می کشند و تنها درآمدی که از این طریق عایدشان می شود به حساب می آید و دیگر حقوقی دریافت نمی کنند.» زیرا کارفرما می گوید: «همین قدر که جای خواب و خوراک (آن هم چه خوراکی) به شما می دهیم و شما را به این جا می آورم تا برای خود کاری بکنید و درآمدی داشته باشید، باید ممنون نیز باشید که طلب نیمی از دستمزدتان را نمی کنم». انجمن در پایان نامه ی خود، خواستار اتخاذ تدابیر جدی برای رفع مشکلات عدیده ی دریانوردان شده است.

اعتراض کارگران بازخریدی شهرداری

تهران

۲۴ شهریور (۱۵ سپتامبر)، نمایندگان ده هزار نفر از کارگران بازخریدی شهرداری تهران با انتشار نامه ای، خواستار بازگشت به کار کارگران بازخریدی شدند. نمایندگان کارگران در نامه ی خود نوشته اند که، شهرداری از سال ۱۳۷۴، با سوءاستفاده از بخش نامه ی شورای عالی اداری مبنی بر تعدیل کارمندان دولت مورخ ۷۳.۳.۳۱، با تأسیس شرکت های خصوصی و خصوصی سازی بخش هایی از فعالیت خدماتی شهرداری، اقدام به بازخرید اجباری ده هزار کارگر شهرداری کرده است. کارگران در ادامه ی نامه خود نوشته اند که، پس از بیست سال کار در شرایط سخت و زیان آور، با زور و تهدید و ترسند از کار بی کار شده اند و به هر مرجع قانونی که شکایت برده اند در ابتدا حق را به کارگران داده، اما سر آخر جانب شهرداری را گرفته است.